



ISSN: 2423 - 7655



Pajoheshha- e Mahdavi

A Research Quarterly in Mahdaviyyat
Thirteenth year, No 51, Fall 2024

A new look at the rational arguments of the opponents of the application of the unseen knowledge of Imam Mahdi(A.S.) in judicial justice in world government

Dr. Mohamad hassan Ghadrnan Garamaleki ¹

Mahnaz Razavi Dizaji ²

Abstract

One of important elements mahdoite government is execution of justice at all individual and social branches. In the area judicial justice that of important dimensions is social justice. Application of occult science among the matter of judgment it has supporters and opponents' supporters of this view according to some traditions at shia references with documentary justification this category of narrations and not paying attention to their meaning they are trying to prove this point of view this is despite the fact that first most of these narrations suffer from weak documentation and incomplete brokerage soundly, the rational reasons of the proponent's claim are ineffective. Since in religious education is the centrality of proof with rational reasons, here this question raised are their sufficient rational reasons to prove the point of view of the opponents and rejection of the views of the supporters? This paper is trying for the first time provide all the positive rational arguments of the opposition point of view and slow analysis in the direction of proof this view. Of course, this view is confirmed by historical evidence and authentic narrative evidence.

Keywords: rational arguments, world government, judicial justice, Imam's knowledge

-
1. Professor of the Theology Department, Institute of Wisdom and Religious Studies, Institute of Islamic Culture and Thought(ghadrndang@yahoo.com)
 2. Level 4 Scholar of Islamic Theology, Al-Zahra University(Corresponding Author) (razavi31340@chmail.ir)

نگاهی نو بر ادله‌ی عقلی دیدگاه مخالفان کاربرد علم غیب امام مهدی علیه السلام در عدالت قضایی در حکومت جهانی

محمدحسن قدردان قراملکی^۱

مهناز رضوی دیزجی^۲

چکیده

یکی از ارکان مهم حکومت مهدوی، اجرای عدالت در همه شاخه‌های فردی و اجتماعی است. در حوزه عدالت قضایی که از ابعاد مهم عدالت اجتماعی است، کاربرد علم غیب امام در امر قضاوت، موافقان و مخالفانی دارد که موافقان این دیدگاه، بر اساس برخی روایات در منابع شیعی، با توجیه سندی این دسته از روایات و عدم توجه به دلالت آنها، درصدد اثبات این دیدگاه هستند، این در حالی است اولاً غالب این روایات از ضعف سندی و ناتمامی دلالتی رنج می‌برند، ثانیاً دلایل عقلی ادعای موافقان ناکارآمد هست. از آن جا که در معارف اعتقادی، محوریت اثبات با دلایل عقلی است، در این جا این پرسش مطرح می‌شود که آیا دلایل عقلی کافی برای اثبات دیدگاه مخالفان و رد دیدگاه موافقان وجود دارد؟ مقاله حاضر سعی دارد برای اولین بار تمام ادله عقلی مثبت دیدگاه مخالفان کاربرد علم غیب را ارائه و در جهت اثبات این دیدگاه تحلیل کند. البته این دیدگاه مؤید به شواهد تاریخی و ادله نقلی معتبر نیز است.

واژگان کلیدی

علم امام، عدالت قضایی امام مهدی علیه السلام، حکومت جهانی، دلایل عقلی.

مقدمه

از یک سو پایه افعال الهی در سه حوزه تکوین و تشریح و جزاء بر عدل استوار است، از سوی دیگر انسان تشنه عدالت و فطرتاً عدالت خواه است و به دنبال تحقق این آرمان است. عدالت در تمام شاخه‌های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و... مطلوب بشر بوده و است تا آن جا که

۱. عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (ghadrdang@yahoo.com).

۲. دانش پژوه سطح چهار کلام اسلامی جامعه الزهراء (نویسنده مسئول) (razavi31340@chmail.ir).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۲۹؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۵/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۸؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۰۳

خداوند پیامبران را مبعوث کرده است که انسان را راهنمایی کنند تا عدل را در جامعه اقامه کنند (حدید: ۲۵)^۱ و همه پیامبران در طول تاریخ تلاش کرده‌اند تا انسان را به سوی این هدف راهنمایی کنند و تا پای جان استقامت کرده‌اند. ولی همیشه دنیای ظلمت مانع بوده و نگذاشته‌اند این امر به طور کامل تحقق یابد تا این که این جریان به آخرین حجت الهی ختم شود و مردم به آن استعداد درک واقعی عدالت برسند و شمه‌ای از آن عدالت حقیقی در حکومت جهانی مهدوی تحقق یابد.

اما این که در عصر ظهور، عدالت چگونه محقق خواهد شد و آن حضرت از چه راه‌ها و شیوه‌هایی بهره خواهد برد؟ در روایات به برخی شیوه‌ها مثل حکم داوودی و بدون نیاز به بیّنه و شاهد اشاره کرده است که در طول تاریخ اندیشمندان مختلف در راستای آن سخن گفته‌اند و نقل مجالس شده است و ناخواسته برخی آسیب‌ها را به دنبال داشته است، البته برخی هم مخالف قضاوت بر اساس باطن بوده‌اند، منتها به دلایل عقلی آن، چندان پرداخت نشده است.

محمد جمیل حمود الفوائد البهیئه فی شرح العقائد الامامیه (حمود، ۱۴۲۱ق: ج ۲، ۲۴۵) محمدتقی مجلسی در روضة المتقین (مجلسی، ۱۴۰۶ق: ج ۶، ۵۹) و در کتاب لوامع صاحبقرانی (مجلسی، ۱۴۱۴ق: ج ۸، ۷۲۴-۷۲۵). طبرسی در اعلام الوری طبرسی (طبرسی، ۱۴۱۷ق: ۴۷۷) ضمن تردید ابتدایی در روایات حکم داوودی، تنها به دفاع از آن در برابر شبهات، با تاویل حکم داوودی به عمل نمودن حضرت طبق علم شخصی پرداخته است. کامل سلیمان در کتاب یوم الخلاص فی ظل القائم المهدي عَلَيْهِ السَّلَام (سلیمان، ۱۴۲۷ق: ۳۳۵) ضمن معنا کردن حکم داوودی، به کسانی که روایات حکم داوودی حضرت را انکار می‌کنند، انتقاد کرده است. سید محمد صدر در کتاب تاریخ پس از ظهور، بیشتر به ذکر دلایل اجرا یا عدم اجرای حکم به واقع از طرف ائمه قبل و بعد از ظهور می‌پردازد.

آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم ذیل آیات ۳۰ تا ۳۶ فصلت، ۳۱ تا ۳۴ لقمان و ۹ تا ۱۱ احقاف، قضاوت همه معصومین را بر اساس روایت: «إِنَّمَا أَقْضَىٰ بَيْنَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَالْإِيمَانِ» بر اساس روال عادی و طبیعی می‌دانند. از دیدگاه ایشان امکان ندارد در دنیا باطن‌ها برملا شود و ظهور باطن‌ها مخصوص قیامت است.

۱. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...».

آیت الله محمدی ری شهری در کتاب *دانش نامه امام مهدی*، با بیان دو احتمال در قضاوت حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه بیان کرده است، که اولی بر اساس علم غیب و دیگری بر اساس ظاهر و مبتنی بر رشد علمی و پیشرفت امکانات کشف حقایق است. ایشان بر این باور است که احتمال دوم طبیعی تر و سازگارتر است.

حجت الاسلام والمسلمین مهدی پیشوایی و دیگر نویسندگان کتاب *مقتل جامع سیدالشهداء* در این باره گفته اند: هر چند معصومان عجله الله تعالی فرجه در پرتو روح ولایت، به مسائل پشت پرده و ماورای طبیعی آگاه اند، به علل مختلف، از جمله دلایل تربیتی، مجاز نیستند از این علم در امور شخصی و اجتماعی خویش استفاده کنند.

اما شاید بیشترین دفاع از موضوع حکم داوودی را بتوان در کتاب *دولت کریمه امام زمان عجله الله تعالی فرجه*، اثر سیدمرتضی سیستانی، مشاهده کرد. با این همه، ایشان به بررسی سندی احادیث و نقل دیدگاه‌های بزرگان در این باره اشاره نکرده است.

علاوه بر کتاب‌های یاد شده، مقالاتی را می‌توان یافت که در آنها به موضوع حکم بر اساس باطن اشاره است:

مقاله‌ی دفاع از روایات مهدویت (حسینیان قمی، ۱۳۸۴: ۲۳۲)؛ مقاله‌ی سیره قضایی حضرت مهدی (حبیب الله طاهری، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود)؛ مقاله‌ی سیره مهدوی و دولت منتظر (اسفندیاری، ۱۳۸۸: ۳۳-۶۲)؛ مقاله‌ی امام مهدی احیاگر شریعت (آیتی؛ ۱۳۸۶: ۵۷-۲۹)؛ مقاله‌ی تحلیل انتقادی بر ضعف سندی احادیث مربوط به داوری امام مهدی بر اساس باطن نوشته‌ی محمد زارعی زیر نظر دکتر خسروپناه. در هیچ کدام از این مقالات به طور جامع اشاره‌ای به دلایل عقلی این دیدگاه‌ها نشده است.

این مقاله بر آن هست دلایل عقلی مخالفان کاربرد علم غیب امام در تحقق عدالت قضایی جامعه جهانی را به صورت جامع، دقیق و نو، تبیین و اثبات کند.

مفهوم شناسی

۱. علم امام

علم امام از مسائلی است که اختلافات و کشمکش‌های فراوانی در این حوزه است که در این جا مجال پرداختن به همه این مباحث نیست. در این مختصر به اجمال فقط به جمع بندی مباحث اشاره می‌شود.

امام و رهبر باید واجد علم اشرافی احاطی باشد و او هرگز نمی‌تواند در دنیای هدایت و در مسیر تربیت بدون این اشراف همه‌جانبه جامع علمی و معرفتی جامعه را گام از گام در مسیر تعالی بالا ببرد. در حوزه‌ی علم امام، نوع علم، بدون تردید علم اشرافی احاطی لدنی است، از طریق درس و بحث مدرسه‌ای این اشراف به دست نیامده است. اما همین علم موهبتی و همین احاطه اشرافی لدنی بدون ظرفیت و بدون قابلیت تحقق پیدا نمی‌کند.

در این حوزه هم دلایل عقلی و هم شواهد نقلی وجود دارد که اثبات می‌کند امام باید دارای اشراف همه‌جانبه علمی باشد و بدون آن نمی‌تواند جامعه را در مسیر تعالی بالا ببرد. پنج برهان عقلی گویا که بیانگر این مطلب است که علم اشرافی لدنی در حوزه هدایتگری قطعی است و الا هدایت ممکن نیست این حد را عقل در براهین اثبات می‌کند. مافوق او را باید در حوزه نقل جستجو شود. در نقل حداقل چهار دسته روایات عرضه شده است: یک دسته قائل به علم اطلاقی همه‌جانبه است. امام رضا علیه السلام فرمود چون ما وارث پیامبریم، علم ما کان و ما یکون داریم (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۶۴، ۲۸۱) دسته دیگری از روایات می‌گوید گاهی این علم هست و گاهی نیست (صفار، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ۵۱۳). دسته سوم روایات می‌گوید: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام ، قَالَ: «إِنَّ الْإِمَامَ إِذَا شَاءَ أَنْ يَغْلَمَ، أُغْلِمَ» (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۱، ۶۴۱) و دسته چهارم روایات فراوانی که به نوعی محدودیتی را برای علم امام قائل است، فراوان داریم، در قرآن کریم خود پیامبر در آیه‌ای بیان فرمود: «مَا أَذْرِي مَا يَفْعَلُ بِي وَلَا يَكُمُ» (احقاف: ۹). نمی‌دانم چه بر سر من در آینده خواهد آمد و چه بر سر شما. اینها بیانگر محدودیت است هم در متن دقایق قرآنی و هم در روایات این نکته مورد توجه است. در بررسی روایات، نقطه آغاز باید حداقل کار سندی در حد اعتبار ظنی این روایات تحقق پیدا کند تا بشود در رابطه با آن روایات سخن گفت، روایات متعددی در این وادی هست که اینها مشکل سندی دارند و نمی‌توان آنها را مدار قرار داد و در عین حال در کاوش‌های علمی مدار قرار گرفته است. کار سندی در گام نخست، بعد از کار سندی بحث دلالی است. در جمع‌روایی بر فرض ما این چهار حوزه را به رسمیت بشناسیم که ما این چهار حوزه‌روایی را داریم راه‌حل‌های مختلفی را برای علاج این کشمکش‌های درون‌روایی ارائه کردند. در طول تاریخ از گذشته دور تا به امروز بزرگانی در این وادی وارد میدان شدند و با دقت‌های فراوان تلاش کردند این جمع‌بندی نهایی را در حوزه‌روایی دقیق سامان دهند. البته هر کدام از این جمع‌هایی که این بزرگان فرمودند واجد برخی از اشکالات درونی است.

در این جا پنج اصل محوری را به عنوان اصول قطعی باید مورد توجه قرار داده شود، بر اساس این پنج اصل یک جمع بندی نهایی ارائه می شود:

اصل اول: غیرحق، علم حقیقی و اصلی ندارد، هر چه غیر از حق دارد ظلی است، بالعرض است. غیر از حق علم غیب حقیقی یعنی علم بالذات ندارد، آنچه که برای غیر از حق است بالعرض است. این جمع بین دو طایفه از آیات قرآنی شد؛

اصل دوم: غیر از حق تعالی احدی در بدء پیدایی واجد علم اطلاقی علی اطلاق نیست. اگر سخن از رشد است، سخن از تعالی است، تعالی به تدریج به دست آوردن است. همه انسان ها حتی وجود قدسی خاتم در حال تعالی است و خود ایشان عرضه می دارد (رب زدنی علما، رب ارنی الاشیاء کما هی)؛

اصل سوم: این است که بدون تردید حد نصاب راهبری و هدایتگری در همه هادیان حقیقی تحقق دارد. این حد نصاب را برای راهبری همه این بزرگان دارند. در ظهور تشریحی کلهم نور واحد؛

اصل چهارم: علم و دارایی ولی الهی و هادی حقیقی ارتقا پذیر است. اگر حد نصاب را در اصل سوم پذیرفتیم پس می توانیم بگوئیم امام در حوزه هدایتگری و راهبری علم اطلاقی دارد؛ **اصل پنجم:** این است که بین نفی زمینی بر اساس ابزار طبیعی و وجود ملکوتی و اشرافی منافاتی نیست.

نکته ی مهم این است که در دار طبیعت باید بر اساس سنت الهی طبیعی عمل کرد. علم ملکوتی یک واقعیت است اما ولی الهی حق ندارد آن را در ارتباطات زمینی جاری و ساری کند. امام می داند در این واقعه دچار آسیب می شود یا می داند دچار آسیب نمی شود. اما برای امام مهم نیست که آسیب ببیند یا نبیند برای امام مهم این است که بر اساس وظیفه طبیعی اش در این حوزه حضور مسئولانه داشته باشد.

اگر این پنج اصل دقیق در جای خود دیده شود، گره های کور در بحث علم حل می شود. بر اساس این اصول پنج گانه:

۱. هم اطلاق به رسمیت شناخته شد؛

۲. هم ارتقا پذیرفته شد؛

۳. هم نفی زمینی با وجود ظرفیت آسمانی جمع شد؛

۴. هم حد نصاب جلو داری در همه این بزرگواران دیده شد؛

۵. هم تفاضل و تفاوت علمی این بزرگواران در مافوق این حد نصاب پذیرفته شد (برگرفته از سلسله درس‌های حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای حسن رضایی).

۲. عدالت قضایی

عدل در لغت به معنای قصد، استواء و اجتناب از جانب افراط و تفریط، قرار دادن هر چیزی در جایگاه خودش و مساوات است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ج ۸، ۵۳).

عدل در اصطلاح کلامی منزه بودن از انجام کار قبیح و در اصطلاح فلسفی اعطاء آنچه که شی بر اساس امکان ذاتی در عالم عقل و استعداد درونی در عالم طبیعت طلب می‌کند (خرازی، ۱۴۱۷: ج ۱، ۹۶).

بر اساس اصطلاح فلسفی، عدل همه حوزه‌های هستی را در بر می‌گیرد و مطابق آیه قرآنی بالعدل قامت السموات و الارض، نظام عالم بر پایه عدالت است هم تکوین و هم تشریح و هم جزا را شامل می‌شود و از اصول محوری دین است.

آنچه از مفهوم عدالت در این جا مراد است متناسب با معنای لغوی و پرهیز از افراط و تفریط و قرار دادن هر چیزی در جایگاه خویش است که در مقابل ظلم است.

عدالت شاخه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، قضایی و غیره دارد که تحقق کامل و به تمام معنای عدالت وابسته به اجرایی شدن عدالت در تمام شاخه‌های آن است و ما در این نوشتار به دنبال آن هستیم، عدالت قضایی است. در رأس برنامه‌های حکومتی امام مهدی علیه السلام در سطح جامعه، اجرای عدالت در همه بخش‌هاست و اوست که همه عالم را، پر از عدالت و دادگری می‌کند، همان‌گونه که از ظلم و ستم آکنده باشد. و یکی از مهم‌ترین حوزه‌های اجرای عدالت، بخش قضاوت است و این همان بخشی است که بیشترین ظلم‌ها و حق‌کشی‌ها در آن شده است. اموال، به ناحق مصادره گشته و خون‌ها، به ناحق ریخته شده و آبروی بی‌گناهان به خطر افتاده است! در محاکم قضایی دنیا، بیشترین ظلم بر مستضعفان عالم شده است و احکام صادره از آنها تحت تأثیر نفوذ قدرتمندان و حاکمان ستمگر، مال و جان افراد و گروه‌های بسیاری را به ناحق نابود کرده است. قاضیان دنیا طلب نیز برای جلب منافع مادی برای خود و وابستگان‌شان حکم‌های ظالمانه بسیاری را نوشته و اجرا کرده‌اند و خلاصه این‌که چه بسیار بی‌گناهی که به چوبه دار آویخته شده است و چه بسا تبهکار و مجرمی که قانون خدا درباره او اجرا نگردیده است.

حاکمیت عدل‌گستر امام مهدی علیه السلام پایان همه ظلم‌ها و نهایت همه حق‌کشی‌هاست. او که مظهر عدالت پروردگار است، محکمه‌هایی دادگستر ایجاد می‌کند و قاضیانی صالح و مجربانی دقیق و خدا ترس می‌گمارد تا به هیچ کس در هیچ جای عالم کمترین ستمی نرود (بالادستان، ۱۳۹۳: ۲۰۹).

تبیین دیدگاه مخالفان

دیدگاه مخالفان کاربرد علم غیب امام در قضاوت بر مبنای حکومت‌های زمینی رهبران الهی و شرایط و مقتضات دنیا است و از دلایل عقلی محکم و شواهد تاریخی و مستندات قرآنی و روایی معتبر برخوردار هست.

از آن جا که تمام رهبران آسمانی موظف هستند بر اساس قوانین عادی و طبیعی دنیا، مردم را به سمت سعادت و کمال دعوت کنند تا مردم بر اساس اختیار و اراده خود، در مسیر هدایت قرار بگیرند و به هدف الهی نائل شوند، از این رو لازم هست شرایط انتخاب عادی و به دور از ترس، اجبار، اکراه و اضطراب برای همگان فراهم شود تا همه در چارچوب قوانین عادی و طبیعی آزموده شوند و هدف الهی حاصل شود.

این دیدگاه منطبق بر پایه‌های عقلی است و از جمله دلایلی که بر این امر قابل ارائه است عبارت از موارد ذیل هست:

۱. متناسب با علوم عادی بشری (کاربرد فقهی نداشتن علم غیب)

یکی از ارکان مهم حکومت‌های دنیایی توسط رهبران الهی این هست که با علم و قدرت عادی بشری اداره شود. از آن جا که در این عالم بنابراین هست که انسان‌ها در شرایط عادی و به دور از اضطراب آزموده شوند، بنابراین علم و قدرت غیبی و ماورائی در مدیریت جامعه بشری جایگاهی ندارد، چرا که اگر قرار باشد با علم و قدرت ماورائی جامعه اداره شود، خود حق تعالی نسبت به آن سزاوارتر است و دیگر لزومی به بعثت انبیاء و اوصیای الهی نبود و فلسفه خلقت عالم مادی هم از بین می‌رفت. علم غیب کاربرد فقهی ندارد و نباید داشته باشد و باطن‌ها فقط در قیامت برملا خواهد شد.

آیت‌الله صافی گلپایگانی در کتاب *معارف دین* در این باره می‌نویسند:

تکالیف آن بزرگواران هم مثل دیگران اغلب در حدود علوم عادی و متعارف بوده است، و مامور به ترتیب اثر به علوم خاصی که دارند، نبوده‌اند (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۹: ج ۱، ۹۲).

آیت‌الله جوادی آملی در این راستا فرموده‌اند:

ما باید بدانیم که علم ملکوتی اشرف از آن است که در حوزه‌ها بیاید با آن فقه و اصول اداره بشود. علم غیب برتر از آن است که سند فقه باشد، علم ملکوتی برتر از آن است که بازار فقه را گرم کند. وجود مبارک پیغمبر ﷺ فرمود من قاضی‌ام، روی گُرسی قضا نشستم، محکمه قضا دارم، اما فقط بر اساس شاهد و سوگند حکم می‌کند. با حصر فرمود: *إِنَّمَا أَقْضِي بَيْنَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَالْأَيْمَانِ* با این که مسلماً اسرار غیب را باخبر بودند... آن علم اشرف از آن است که بازار فقه را گرم بکند، فقه ظاهری دارد، همه ما مثل دیگران مکلف به ظاهریم. گاهی برای اظهار معجزه، اظهار نبوت، اظهار امامت، اثبات ولایت دستورات غیبی می‌دهند اما بنابراین نیست که با علم غیب عمل کنند (برگرفته از درس تفسیر قرآن آیت‌الله جوادی آملی، رادیو معارف، برنامه بر کرانه‌ی نور: ۱۳۹۵).

بنابراین استاد جوادی آملی این منطق را به عنوان اصل کلی برای همه امامان معصوم جاری می‌دانند و به طور کلی کاربرد علم غیب را در دنیا، در اداره جامعه و قضاوت، جایز نمی‌دانند.

نتیجه آن که زندگی پر از نعمت و بخشش در سایه تمدن امام مهدی عجل الله تعالی فرجه له با دست غیبی به دست نمی‌آید، بلکه با کوشش مؤمنان مخلص که به رکاب امام و حجت خدا ملحق شده‌اند، حاصل می‌شود. اگر گردش کار در دولت مهدوی در سایه قدرت اعجاز‌آمیز امام و خارج از قوانین علمی و طبیعی باشد، سنت همیشگی الهی برچیده خواهد شد.

۲. متناسب با نقش تربیتی و الگویی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه له

با توجه به این که ائمه معصومین عجل الله تعالی فرجه له به عنوان رهبران آسمانی، نقش الگویی و تربیتی جامعه را بر عهده دارند و مردم همیشه در شرایط سخت و مصیبت‌ها آن بزرگواران را سرمشق خویش قرار می‌دهند، اگر قرار باشد امام جامعه در این شرایط تمسک به علم و قدرت غیبی داشته باشد، این جایگاه را در بین مردم از دست خواهند داد، در حالی که از رسالت‌های بزرگ آن بزرگواران، هدایت جامعه به سمت سعادت و رستگاری در مجرای عادی و طبیعی است.

مهدی پیشوایی در کتاب *مقتل جامع سیدالشهداء* در این باره می‌گوید:

هرچند معصومان عجل الله تعالی فرجه له در پرتو روح ولایت، به مسائل پشت پرده و ماورای طبیعی آگاه‌اند، به علل مختلف، از جمله دلایل تربیتی، مجاز نیستند از این علم در امور شخصی و اجتماعی خویش استفاده کنند؛ چرا که این‌گونه بهره‌برداری سبب می‌شود تبلیغ عملی آنان خدشه دار شود و دیگر نتوانند صبر در مصائب و گرفتاری‌ها را به دیگران توصیه کنند.

کسی که در میدان جهاد و شهادت در راه خدا از این علم، بهره‌گیری کند و هر نوع تیر بلا را از اصابت به هدف باز دارد و پیوسته خود را از حوزه‌ی بیماری‌ها و گرفتاری‌ها و ناراحتی‌ها برهاند، دیگر نمی‌تواند امت را به استقامت و تحمل سختی‌ها دعوت کند؛ زیرا با اعتراض پیروانی مواجه خواهد شد که می‌گویند: کسی می‌تواند ما را به مسائل معنوی و سازنده توصیه کند که خود نمونه‌ای از این صفات برجسته‌ی انسانی باشد. بنابراین انسان‌های الهی چون سرمشق و الگودهنده به انسان‌های دیگر هستند، در برابر مشکلات و ناگواری‌ها همانند همه مردم، تلاش می‌کنند و از اسباب و ابزارهای عادی برای رفع آنها کمک می‌گیرند و چه بسا به دلیل نارسایی و کمبود امکانات، کوشش آنان عقیم بماند (پیشوایی و همکاران، ۱۳۸۹: ج ۱).

طبق نصّ صریح قرآن در سوره احزاب، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله الگوی نیکو برای انسان‌هاست: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ (احزاب: ۲۱) برای تحقق این الگو، باید زندگی پیامبر هم چون دیگر انسان‌ها، از طریق عادی و با معیارهای طبیعی صورت پذیرد و گرنه زهد، تقوا و فضیلت‌های اخلاقی او سرمشقی برای انسان‌های دیگر نخواهد بود؛ زیرا در حقیقت، پیامبر در مسابقه فضیلت و کمال، با کمک‌های بیرونی و با اعمال قدرت از خارج، بر دیگران پیروز شده است و جایی برای تحسین و تشویق نیست. یکی از نویسندگان در وصف چگونگی تمدن عصر مهدوی و نفی فراگیری اعجاز چنین می‌نویسد:

زندگی پیامبران و معصومان و اهل بیت علیهم السلام موافق عوامل طبیعی است و با جو معجزه ارتباطی ندارد. دلیل آن به سادگی این است که اگر اهل بیت علیهم السلام در سایه معجزات زندگی می‌کردند، الگوی نیکو بودن برای مردم، درباره آنها صدق نمی‌کرد. برای این که پیامبران الگو و اسوه‌ای برای مردم باشند، باید مانند دیگران، به صورت عادی زندگی خود را بگذرانند... مگر چند بار در تاریخ جهان، قانون سوزاندن توسط آتش تعطیل شد؟ ... درست است که معجزه در قبول مأموریت پیامبران و در زندگی پیامبر بزرگ و اهل بیت او نقش داشته است، ولی به این معنا نیست که زندگی آنها غرق در دریای معجزه بوده، بلکه زندگی آنها تابع اسباب و مسببات است (مهاجر، ۱۳۸۰: ۹۲).

۳. متناسب با جنبه افتناعی داشتن برای همگان و سرایت داشتن به سایر قضات (جنبه همگانی داشتن این دیدگاه برای تمام قضات)

نظر به این که در عصر ظهور و در جامعه جهانی علاوه بر حضرت ولی عصر عجله قضات دیگری هم در مسند قضاوت خواهند بود، لازم می‌آید به لوازم امر قضاوت مجهز باشند. اگر قرار بر قضاوت بر اساس باطن و علم غیب باشد، جای این سؤال هست که آیا این امر برای مردم

قانع‌کننده خواهد بود؟ آیا همه قضات دستگاه حکومت مهدوی از علم غیب معصومانه برخوردار خواهند بود؟

قطعاً تمام قضات مجهز به علم غیب نیستند و از طرفی با توجه به گستره وسیع حکومت جهانی، ارجاع همه قضاوت‌ها به خود حضرت، خلاف جریان عادی زندگی خواهد بود. همچنین برای قانع شدن و پذیرا بودن از سوی مردم، لازم است دلایل و شواهد قضاوت، در سطح مردم و روال طبیعی باشد، به طوری که بتوان برای عموم توضیح و تبیین کرد. بنابراین نمی‌توان تمسک به علم غیب و برملا شدن باطن افراد کرد و قطعاً مراد از قضاوت داوودی هم این نخواهد بود.

آیت‌الله محمدی ری‌شهری در این زمینه گفته است:

برخی احادیث، روش قضاوت امام مهدی علیه السلام پس از ظهور را به روش قضاوت داوود و سلیمان و یا آل داوود تشبیه کرده است. در این احادیث، مشخصه این گونه قضاوت را: عدم مطالبه بی‌نه، داوری بر اساس علم، حق را به ذی حق رساندن، الهام الهی و امور پنهان را آشکار ساختن، دانسته است... با توجه به نمونه‌هایی که از قضاوت و داوری داوود نقل شده، می‌توان گفت آنچه قضاوت داوودی محسوب می‌شد که ویژه ایشان بود و وی را از دیگران ممتاز می‌کرد، قضاوت بر پایه علم غیب الهی و دیگری قضاوت بر پایه فنون بازجویی علم آور است. البته قضاوت بر اساس بینه و قسم، وظیفه عمومی و متداول داوود بوده، چنان‌که دستور پیامبران پیش از او و بعد از او نیز بوده است. حال می‌توان گفت قضاوت مهدوی که تشبیه به قضاوت داوود شده نیز به یکی از این دو صورت خواهد بود: ۱. قضاوت بر پایه علم غیب الهی؛ ۲. قضاوت بر اساس فنون و علوم پیشرفته عصر ظهور. با توجه به این‌که احتمال اول برای داوود نیز به صورت نادر اتفاق افتاد و امری فراگیر و همگانی نشد و خداوند به داوود تأکید کرد که خودش و جامعه‌اش طاقت و تحمل آن را ندارند و داوود هم درخواست کرد آن حکم برداشته شود، در باره قضاوت‌های امام مهدی علیه السلام نیز احتمال دوم، طبیعی‌تر و سازگارتر است؛ زیرا احتمال دوم، دو امتیاز به همراه دارد: یکی جنبه اقناعی آن برای انسان‌ها و مخاطبان و دیگری قابلیت تعمیم و توسعه به دیگر قاضیان و داوران منصوب از طرف امام مهدی علیه السلام. برای هر دو امتیاز می‌توان از احادیث اسلامی شاهد آورد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۳ ش: ۴-۳۵۴).

۴. متناسب با اختیار انسان

یکی از امتیازات و خصوصیات خاص انسان در دنیا اختیار اوست، انسان در افعال اختیاری

خود حق انتخاب دارد و به خاطر همین مورد امتحان قرار می‌گیرد تا مشخص شود چه کسانی بهترین انتخاب‌ها را می‌کنند.

واقعیت این هست که انسان باید مسیر کمال و هدایت خویش را با اختیار خود طی کند و بر اساس همین انتخاب‌ها، شاکله و سیمای باطنی خود را می‌سازد و مستحق عقاب یا ثواب می‌شود. قرار بر این هست که انسان با پای خود برود تا بشود و اگر غیر از این باشد، فلسفه آفرینش محقق نمی‌شود.

استاد شهید مطهری درباره‌ی اختیار و آزادی انسان می‌گوید:

انسان مختار و آزاد آفریده شده است؛ یعنی به او عقل، فکر و اراده داده شده است. انسان در کارهای ارادی خود مانند سایر موجودات نیست که مجبور باشد (مطهری، ۱۳۹۵: ج ۱، ۳۸۷-۳۸۶).

بنابراین تا انسان در دنیا هست، اراده و اختیار او نباید تحت تأثیر موانع بیرونی قرار بگیرد و در شرایط اضطرار باشد. با این توضیحات روشن می‌شود که اگر قرار باشد در قضاوت‌های عصر ظهور، باطن افراد برملا شود و مردم ببینند که بدون هیچ‌گونه مدرک، مستند و دلیلی حکم صادر و اجرا می‌شود، در شرایط اضطرار در انتخاب قرار می‌گیرند و همیشه ترس این‌که باطن او برملا خواهد شد، وجود دارد و همین باعث می‌شود که نتوانند بر اساس اراده و اختیار خود انتخاب کنند و مجبور به انتخاب چیز دیگری برخلاف انتخاب خود شوند. این یعنی شرایط اضطرار و ترس بر انتخاب آنها حاکم می‌شود و این با اختیار انسان منافات دارد.

آیت‌الله جوادی آملی در این راستا می‌فرمایند:

در هیچ جای تاریخ مشاهده نشده است که حضرت رسول یا دیگر معصومین علیهم السلام برای روشن شدن این‌که حق بین دو متخاصم چیست یا حتی موضوعات از علم غیب استفاده کرده باشند. پس اگر قرار باشد کسی در روی زمین باشد که در محاکمه یا مقام قضاوت از علم غیب استفاده کند این برخلاف حکمت الهی است چرا که استفاده از این علم برای مجازات کردن مردم در دنیا خلاف اختیار انسان است. به عبارت دیگر اگر مردم بدانند این چنین شخصی با این چنین علمی وجود دارد دیگر گناه نمی‌کنند، ظلم نمی‌کنند، فریب نمی‌دهند چرا که می‌دانند در صورت انجام این کارها و رفتن به محکمه حقیقت روشن می‌شود. مصلحت الهی بر این است اسرار تا روز قیامت این‌گونه محفوظ بماند (برگرفته از درس تفسیر آیت‌الله جوادی آملی، ذیل آیات ۳۰ تا ۳۶ فصلت).

۵. متناسب با رشد عقلی و معرفتی مردم

هدف از خلقت انسان رشد و تکامل معرفت و شناخت اوست. این موضوع از مهم‌ترین برنامه‌ها و اقدام‌های امام مهدی عجل الله تعالی فرجه له است. او از حقایق گسترده و جهانی برای بشریت پرده برمی‌دارد، و مردمان را به دانش‌های یقینی و درست هدایت می‌کند، و شناخت‌های ناب و خالص به ارمغان می‌آورد.

قائم ما، به هنگام رستاخیز خویش، (به تأیید الهی) نیروهای عقلانی توده‌ها را تمرکز دهد. و خردها و دریافت‌های خلق را به کمال رساند (و در همگان فرزاندگی پدید آورد) (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ۳۳۶).

تکامل شناخت مبانی دین و آموزش احکام و معارف دینی نیز از جمله دانش‌هایی است که به صورت الزامی در آن دوره انجام می‌گیرد، و همه جامعه بشری دین‌شناس و عالم به مسائل و برنامه‌های الهی می‌گردند. امام جوانانی را که به سن بیست سالگی برسند و فقه دین را نیاموخته باشند قصاص می‌کند.

زنان نیز در آن دوران سعادت‌بار، در شناخت مبانی دین به پایگاه بلندی می‌رسند، و عالمان و فقیهان و دین‌شناسان در طبقه زنان پدید می‌آیند، بدان پایه که می‌توانند در خانه‌های خود با قانون قرآن و آئین اسلام به قضاوت بنشینند. روشن است که قضاوت بر اساس قرآن و سنت کاری دشوار است، و آگاهی و شناخت عمیق و گسترده از آیات و احادیث لازم دارد. در آن دوره دانایی و دین‌شناسی به مرزی می‌رسد که زنان جامعه نیز به چنین کار بزرگی می‌توانند دست یازید. امام باقر ع :

در زمان حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه له، به همه مردم، حکمت و علم بیاموزند، تا آن‌جا که زنان در خانه‌ها، با کتاب خدا و سنت پیامبر، قضاوت کنند (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۳۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ۳۵۲).

بنابراین با انقلاب معرفتی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه له و سرداران ایشان، غبار جهالت‌ها و غفلت‌ها کنار می‌رود و مردم از دریای معارف الهی سیراب می‌شوند به گونه‌ای که تشخیص احکام الهی و تمام جوانب قضاوت‌های عادلانه قضات، بر ایشان آسان می‌شود تا جایی که اساس جامعه بر محور حق و حقانیت شکل می‌گیرد و دیگر برای تشخیص سیاهی جرم، نیازی به برملا کردن باطن‌ها نخواهد بود.

۶. متناسب با رشد تربیتی و اخلاقی مردم

یکی از عوامل مهم وقوع جرم و بزهکاری در جامعه و تجاوز به حقوق دیگران، نداشتن روح تقوا و عدم تربیت اخلاقی و انسانی است. تکامل تربیت و بلوغ روحی انسان از جمله برنامه‌های مهم قیام امام مهدی علیه السلام است. حضرت برنامه خود را از این نقطه زیربنایی آغاز می‌کند تا برنامه‌های دیگر او به شایستگی انجام یابد، و زمینه‌ها و شرایط و عوامل اصلی صلاح، شایستگی، بسامانی، رفاه، عدالت، دادگری، قانون‌شناسی، تعهدپذیری، مهرورزی، محبت، ایثار و فداکاری در سطح جامعه‌ها پدیدار گردد (رضوانی، ۱۳۸۶: ۲۹).

امام باقر علیه السلام:

هنگامی که قائم رستاخیز کند، خداوند قوای فکری مردمان را تمرکز دهد... و اخلاق آنان را تکامل بخشد (مجلسی، ۱۴۰۳ ج ۵۲، ۳۳۶).

در چنین جامعه‌ای که آمار جرم و جنایات و تجاوز به حقوق یکدیگر، هم به لحاظ کمی و هم کیفی، بسیار پائین است و اگر هم جرمی صورت بگیرد، در فضای پاک و زلال این جامعه به روشنی مشخص می‌شود و نیازی به تمسک به علم غیب و برملا کردن باطن نخواهد بود. مخصوصاً این‌که مردمان آن عصر هم از لحاظ معرفتی سرآمد خواهند بود و هم این‌که امکانات عادی کشف جرم، در حد عالی خواهد بود. همه اینها در سایه باور به این مسئله هست که قیام حضرت در درجه اول، یک انقلاب معرفتی و تربیتی خواهد بود.

۷. متناسب با علوم و فنون پیشرفته قضاوت در عصر ظهور

علم و دانش بشری در تمام ابعاد، روز به روز در حال پیشرفت هست. تلاش‌های انسان در عرصه پیشرفت تکنولوژی و صنعت در تمام زمینه‌های زندگی مادی انسان به گونه‌ای است که ابزار و تجهیزات زندگی امروزی با سال‌های گذشته، حتی سال‌های نه چندان دور متفاوت و پیشرفته‌تر شده است تا جایی که برخی امکانات امروز در مقایسه با صد سال پیش در نزد بشر چیزی شبیه اعجاز به نظر می‌رسد. ولی باید اذعان کرد که عقل بشری با سرعت، سکوه‌های علوم و فنون را در عرصه‌های مختلف فتح می‌کند و هر روز ابزارهای جدید و دقیق‌تری را وارد زندگی انسان می‌کند.

در این میان عصر ظهور، دوران طلایی درخشش و اوج پیشرفت‌ها در عرصه‌های مختلف فنون و صنعت خواهد بود، در احادیث اهل بیت علیهم السلام عباراتی درباره عصر ظهور آمده که حاکی

از پیشرفت‌های چشمگیر عصر ظهور دارد.

یکی دیگر از وجوه پیشرفت‌های تکنولوژی و فنی، در راستای شواهد و مستندات کشف جرم برای مجرمان هست. از آن‌جا که یک سیستم قضایی بسیار پیشرفته در دستگاه حکومت مهدی تعبیه خواهد شد و علم و دانش در عصر مهدوی به مرحله‌ای می‌رسد که بینه و قسم کارایی خود را از دست می‌دهد و راه‌های مؤثرتری برای کشف حقیقت و تعیین راستگو از دروغگو ابداع می‌شود؛ همان‌گونه که امروزه، استفاده از گروه خونی و ویژگی‌های ژنتیکی و DNA، دلایل انکارناپذیری را برای اثبات جرم و کشف مجرم در اختیار کارآگاهان و دادرسان قرار داده است.

حدیث عجیبی از جابر از امام باقر علیه السلام در این زمینه نقل شده چنین می‌گوید:

به این جهت او مهدی نامیده شده است که به امور مخفی و پنهان هدایت می‌گردد؛ تا آن‌جا که گاه به سراغ کسی می‌فرستد که مردم او را بی‌گناه می‌دانند و او را به قتل می‌رساند زیرا از گناه نهایی او همانند قتل نفس که موجب قصاص می‌شود آگاه است! و تا آن‌جا که بعضی از مردم هنگامی که درون خانه خود سخن می‌گویند می‌ترسند دیوار بر ضد آنها شهادت دهد [و از خلافت‌های او و توطئه آنان، حکومت مهدی را با خبر سازد] (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۵۲، ۳۵۰).

این حدیث هم گواه بر آن است که در دروان حکومت جهانی در حالی که پاکان در نهایت آزادی به سر می‌برند، خلاف‌کاران چنان تحت کنترل هستند که ممکن است با ابزارهای پیشرفته‌ای امواج صوتی آنها از دیوار خانه‌های شان باز گرفته شود و به هنگام لزوم می‌توان فهمید که آنها در درون خانه چه گفته‌اند.

این سخن شاید در صد سال پیش جز به عنوان یک معجزه قابل تصور نبود، اما امروز که می‌بینیم در بسیاری از کشورها چگونگی حرکت اتموبیل‌ها را در جاده‌ها با دستگاه رادار از راه دور و بدون حضور پلیس کنترل می‌کنند؛ و یا می‌شنویم دانشمندان توانسته‌اند از امواجی که بر بدنه کوزه‌هایی که در پاره‌ای از موزه‌های مصر وجود دارد صدای کوزه‌گران دو هزار سال پیش را زنده کنند، و یا می‌شنویم که دستگاه‌هایی وجود دارد که از طریق امواج حرارتی (امواج مادون قرمز) که از یک دزد یا یک قاتل در محلی باقیمانده و خودش تازه از آن‌جا گریخته عکس برداری کنند و او را از روی آن بشناسند؛ زیاد شگفت‌آور نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۲۴۵).

از مجموع آنچه گذشت روشن می‌گردد که در عصر انقلاب جهانی مهدی علیه السلام صنایع و

تکنولوژی به طرز بی‌سابقه‌ای گسترش می‌یابد به طوری که شاید تصور دقیق آن در این زمان برای ما غیرممکن به نظر بیاید. در این شرایط دیگر نیازی به برملا کردن باطن‌ها برای افشای جرم وجود ندارد و با ابزارهای پیشرفته آن زمان به نحو عادی و طبیعی و بدون تمسک به غیب، شواهد جرم برملا می‌شود و مجرم شناخته می‌شود.

نتیجه‌گیری

با توجه به این که در اثبات معارف اعتقادی و بنیادی، میدان دار اصلی، دلایل عقلی است و اصل بر آن است که با وجود دلایل عقلی کارآمد بر یک مسئله، آن مسئله اثبات می‌شود و نوبت به استناد به برخی روایات ضعیف خلاف آن نمی‌رسد. از مجموع دلایل عقلی دیدگاه موافقان، به دست می‌آید که اولاً علم غیب، کاربردی در زندگی دنیایی ندارد و با حکمت الهی و اختیار انسان منافات دارد، ثانياً در حکومت مهدوی هم مثل همه حکومت‌های دنیایی، امام نقش الگویی و تربیتی دارد و با اصول ثابت حاکم بر حکومت‌های دنیایی پیش می‌رود. ضمن این که با توجه به رشد علمی و اخلاقی مردم از یک سو و ابزار و امکانات پیشرفته کشف جرم از سوی دیگر، نیازی به اعمال علم غیب نخواهد بود. بنابراین علم غیب در مدیریت حکومت جهانی نمی‌تواند نقش داشته باشد چرا که اولاً حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، استمرار حکومت‌های دینی و ظهور تام شریعت احمدی است و از سوی دیگر از اصول ثابت حاکم بر حکومت‌های دینی در دنیا این است که مدیریت جامعه بر اساس روال عادی و طبیعی باشد و علم غیب در آن دخالتی نداشته باشد. با توجه به این دلایل عقلی، تایید شواهد تاریخی و مؤیدات نقلی، کاربرد علم غیب در اداره جامعه جهانی منتفی می‌شود.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمه*، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران: اسلامیه.
۲. بالادستیان، محمد امین (۱۳۹۱)، *نگین آفرینش*، قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشريف.
۳. جزائری، نعمت الله بن عبدالله (۱۳۹۰)، *مجموعه کامل تاریخ انبیاء از آدم تا خاتم*، بی‌جا: چاپ اجود.

۴. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۵ق)، *إثبات الهداه بالنصوص والمعجزات*، بیروت: اعلمی.
۵. خرازی، سید محسن (۱۳۷۳)، *بداية المعارف الالهيه في شرح عقائد الاماميه*، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
۶. رضوانی، علی اصغر (۱۳۸۶)، *حکومت حضرت مهدی علیه السلام در عصر ظهور*، قم: مسجد مقدس جمکران، سوم.
۷. سیستانی، سید مرتضی (۱۴۳۲ق)، *دولت کریمه امام زمان*، قم: نشر الماس.
۸. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۲۱ق)، *معارف قرآن*، قم: انتشارات حضرت معصومه علیها السلام.
۹. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد*، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الإسلامیة، چهارم.
۱۱. مامقانی، عبدالله (۱۴۱۱ق)، *مقباس الهدایه فی علم الدرایه*، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۱۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، دوم.
۱۳. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۴. مطهری، مرتضی (۱۳۹۵)، *مجموعه آثار*، قم: صدرا.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۰)، *حکومت جهانی مهدی علیه السلام*، قم: انتشارات نسل جوان، هشتم.
۱۶. مهاجر، عبدالحمید (۱۳۸۰)، *پیرامون ظهور حضرت امام مهدی*، ترجمه: حمیدرضا کفاش، تهران: نشر عابر، سوم.
۱۷. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، *الغیبه*، تهران: مکتبه الصدوق، اول.